

قیمت سالیانه
از وزراء و اعیان دولت بقدر
معارف شوستی شان
روای مکاتب و کتب خانهای ملی
و معاونین و وقارئ نگاران (فخری)
را یکان
از عموم خبرداران در داخله
(۱۲) روپیه کابلی در خارجه
یم بوند انگلیسی با محصول بوته
از طلاب و مخصوصان لطف قیمت
ششیا هر
داخله خارجه
(۸) روپیه (۷) شانک

درین جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی
و منافع دولتی و فوائد ملی بخت میشود

آذار ۱۳۳۷

ده افغانستان کابل

سر دیر

سید محمد قاسم

امورات تحریریه بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقامات

وارده مختار است

در هر هفتہ یکبار نشر میشود

اور افیک درج نشود اهاده نمیشود

امان و مع

۱۳۳۷

از اینای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش

جریده برایش فرستاده میشود

نهایین شماره دو عباسی

تاریخ فری (۸) محرم الحرام سن (۱۳۴۲) هجری

تاریخ شمسی (۲۹) آمد ۱۳۰۲ هجری

فهرست محتوا

- ۱ یاد کار عنم آهنین و قیام خونین
- ۲ اطاق اعلیحضرت روز اول جشن استقلال — ۳ جشن دربار کند
- ۴ پیان نامه مصطفی کان پاشا — ۵ مکتوب — ۶ زبانهای علی فارسی — ۷ خرابی اروپا
- ۸ حوادث داخلیه — ۹ حوادث خارجیه — ۱۰ ناول — ۱۱ تصاویر — ۱۲ اعلان

عنم آهنین که در برابر فاصل حقوق مخصوصاً حقوق آزادی
و استقلال آه از حقوق طبیعی نوع بشرست در کمال افتخار سر
بکف در میدان بیارزه قدم نماد و ناریخن آخرین نظره خون
خویش در راه نیل آمال ای و آرزو های اجهمی امداده کی
کند و جفات نیگین را زمزمهای باش افت سنگین ترجیح نمود
مسلم است هر کس با جنین بک عنم آهنین ریاست متنی بعلیه
حقوق قیام کند کسی نمیتواند با اورمه اوست هماید و حق او
نکنمدارد .

عنم بود که اعلیحضرت غازی من امیر امان الله خان
(ایده الله الرحمن) بعد از آن که حریت دسته لال افغانستان
را وقت قدم کذا در باریکه زمامداری اعلام نمودند شخص
خلاصی ملت و وطن خود از چنگال حیات اجانب های عنم
آهنین و قیام خونین برخاست و جوانان وطن را کفن بوش
کرده باشعار : (یامرک با استقلال) به قرآن کاہ فرستاد و بخون

بسم اللہ الرحمن الرحيم

(یاد کار عنم آهنین و قیام خونین)

یادخون شریدان راه استقلال بیار ماده که هنکام نوش نوش آمد
هر ذی حیات برای بقای زنده کی او به جد و جهد و استیفای
ما به احیات مادی و ادبی خویش عبور است واکر در این جد
وجهد کسی با او مزاحم و مالم شده غصب حقوق حیاتیه او
ها بند دردفع آن مزاحم و مالم و شائع با او مکلف و معدور، کشاکش
زنده کی (و تناسی للبقاء) عبارت از همین جد و جهد و مدافعت و امان
عوائق است در بقای حیات .

از تجاست که حیات فردی و اجتماعی وزنده کانی بک نامه
وقوم، و تعیش بک ملت و مملکت بسته به قیام و مطالبه حقوق
است، اما جکونه قیام و مطالبه ۱۱ قیام خونین و مطالبه با بک

ملت از کوشش نویافته است
ان جوانان فدا کار نعمت اسروره استقلال را تائله کردید .
عرق سکونش نو گردیده
روز های مذکور در تاریخ مجده افغانستان موقع خاص
پادشاه باشکوهی است ازان (هنم آهنین و قیام خونین)
افغانستان رایی مطالبه حقوق خود و همه ساله بعلمات اتفخار
در ساعات مسعود آن جمهور ملت افغان به نام (جشن استقلال)
به جشن و سروره عی پردازند .

با عذر آبیار استقلال
با عذر آبروی حریت
با عذر اقتدار استقلال
با عذر پارب (بیتاب)
لطف اعلیحضرت غبور ظازی بروز جمهور (۱۱) اسد دراغ

محومی پیمان بقریب افتتاح صراسم
سرور جشن سال بیشم استقلال

نور چشمان هنریز من و عسکر عقصد رسیده من اولاً
بهمه شما تبریک سال بیشم جشن استقلال تان را میکویم
عموم (اللی سلامت باشید)

ذات شاهانه : از خالق بی سیاز خود ارزو دارم که شب
وروز شما در کمال یکجیجی بایک صرور و خوبی و باک قبح
نمایم زمان تجدید حیات خود حفظ کنیم و به احترام آن به
سرور جشن مشغول کردم و برای بقاء و ادامه استقلال خود
که در نتیجه ریختن خون جوانان وطن بدست آمده هم وقت
بیان خونین باخون آهنین حاضر و آمده باشیم و طول حیات
و زیادت رکات اعلیحضرت معلم غازی را که مسبب این حیات
میمان است هم وقت ازبار کاه عجیب الدعوات بیاز و استرحام هایم .
زنده باد پادشاه غبور غازی افغان :-

پادشاه باد استقلال افغانستان :-

مزده ای دوستدار استقلال که بود روزگار استقلال
آمد اندر کنار استقلال نازه شد لاله زار آزادی
شکر کنزو پهار آزادی هر کرد ددوچار استقلال
روی غم ریک نفس نمی بیند زکار آزادی شکر کنار استقلال
زکار آزادی کا با کنار دار دلم خوشبودگر دار دگر
بنده شد صبح عیدو شام برات پیش لیل و نهار استقلال
پکن ایدل نشار استقلال سر بود کر بکار استقلال
بیکن عرضه از مر اخلاص بشکر این امکان نداشت
بنست خالی سری زسودایش بشکر این اعتبار استقلال
پاشد از اقتدار استقلال جشن افغان که خرمی بخش است
نشه و انتظار استقلال مدتی بود ملت افغان
آخر از غیرت شه غازی رو غنی یافت کار استقلال
عهد او دست شید آزادی دور او اتفخار استقلال
ای خیالت پشه آزادی ای وجودت مدار استقلال
بسته از شجاعت ذاتی عالمی راستار استقلال
میدهد خوشقرار استقلال شخص با اقتدار و تکیت

عموم عسکر و رعیت !
(زنده باد پادشاه غازی ما امیر امان الله خان)
ذات شاهانه :

عن بیان من چیزی که انسان را بفدا کاری و جان نثاری
حاضر میکنند پیش نیست فقط اسلامیت همین و غیرت و حزم
آهین است شهادت در راه وطن خیات جاوید است چنانچه
حق تعالی فرموده است شهدا نمی میرند بلکه زنده هستند
شهدا یک برای استحصال استقلال شما خون خود را بخاند
این اولاد های خون آسود شان را که نزد من حاضرند به لظر
عننت و احترام به یافید چرا که هم اینها اولادهای من هستند
(اولاد شهیدان چنگ استقلال بالباس های خون آسود بدور
اعلیحضرت استاده بودند ویک منظرة خیل رفت آوری
نشان میداد)

خدا شاهد باشد که قلبنا میکویم ای کاش من بخدمت ملت
خود شهید میشدم و اولاد من مثل اینها خون آسود میبود
نامن من یک پادشاه و وزراء و عسکر اولادها تقدیر میکردند
ای کاش من شهید شوم و اولاد من چنین باشد ای کاش ا
باید نظر بخدمت و جان فشانی که بدرهای اینها در راه استقلال
و محافظه ناموس شما کرده اند اینهارا نوازش و قدر دانی کنند
اما نوازش پل و پیسه نمی فقط به لنظر احترام و تعظیم دیدن الحداقة
دولت شکریه و مسربت خوده از صمیم قلب از در کاه خداوند
تمالی و قدس که ضیاء بخشای مطلع حال و استقلال اسلامیان
هایم مهر بانی و نوازش زبانی کنند کویا برای من و اولاد من
کرده اند -

بعد از اختتام لطف ملوکانه اولاد خود اعلیحضرت و برادر
آن هم حاضرین حاابل کلامی رفیکین را بکردن اولاد شهدا
انداخته و دسته های کارا بمردانه نشار کردند -

لطف وزیر صاحب حریه بمحواب اعلیحضرت
الی این وجود مبارک را که اسرور باعث فخر افغانستان
است از افغانستان کم نکنی این بدر ناج دار عسکر نواز را که
واسطه رق افغانستان کردانیه ازما نکنی اسرور جشم امید
عسکر و ملت افغانستان اول بخداوند و باز در عالم اسپاب بوجود
مسعود این پادشاه رق خواه غازی است خداها عسکر مبارک
را بسر نکردنی عسکر و ملت افغانستان مقابله اینهمه غم
خواری و مهر بانی اعلیحضرت بهیج زبان ادای شکریه نمیتواند
بدون انکه قطره های خون خود را برکاب اعلیحضرت
شار کنند .

عموم !

زنده باد اعلیحضرت غازی امیر امان الله خان پادشاه پادشاه
دولت استقمه افغانستان .

(جشن سال بیشم اعلان استقلال دولت علیه)
(افغانستان در چنگ قوسلکری افغانی مقیم شهریار کنند)
بروز (۹) جوت (۱۳۰۱ش) در مقام چنگ قوسلکری
دولت علیه افغانستان در شهریار کنند بمناسبت جشن سال بیشم
جلوس بالاستقلال اعلیحضرت هایون غازی پک مجلس با محفل
از طرف (ع) محترم محمد شریف خان چنگ قوسل اعلیحضرت
تریب یافته و حسب دعوت نامهای چنگ قوسلکری موصوف
از مردمان اعیان و اشراف و تجار افغانی و برطانوی و رویی
و علماء سادات و مشائخ و بانی ها و پیک های شهر (پار کنند)
درین مجلس شمولیت داشتند - هوای خواهان عالم اسلام بکمال
خلوصیت تبریک ها کنند و ایاز مسربت می خودند - در
محفل مذکور پک هر یضه تبریکیه از طرف جمعیت رعایت افغانی مقیم
(پار کنند) تقدیم و بعض مون ذیل قرأت کردید :-

فدویان جان نشار ، رعایتی سادقه اعلیحضرت شهریار غازی
پاشنده رکستان دولت فخریه چین نسبت باین جشن جلوس
میمفت مانوس بالاستقلال اعلیحضرت غازی که برای ماسافران
خصوصاً بر عالم اسلام عموماً موجب بهجت و شادمانی است
اطهار شکریه و مسربت خوده از صمیم قلب از در کاه خداوند
تمالی و قدس که ضیاء بخشای مطلع حال و استقلال اسلامیان
است می خواهیم که ذات شوکت سهیت اعلیحضرت رعیت پور
را که باعث رق و بهبود دولت و ملت است از خواهد روزگار
در حفظ و حراست ذات اقدس خویش محفوظ و مصون داشته
تامار عایی سادقه شاهانه شان به مثال شدن همچه روزهای فرحت

افروز سرفراز باشیم !

بعد از این چنگ قوسل اعلیحضرت جشن موصوف جوایه ذیل را بمقابل
تبریک رعایتی افغانی در محفل مذکور ایاد خود :- برادران

محترم ا

اولاً بند بكمال نشکر و امتنان عرضیه تبریکیه شمار عایی
صادقه اعلیحضرت پادشاه متبرع معظم خود را پذیرفته بوزارت

جلیله خارجیه تقدیم می نمایم !

ثانیاً مختصر آهون میکنم که البته برای تان معلوم خواهد
بود که غصین و اسطه فوز و فلاح و یکانه سبب رق و سعادت
برای ملت ها و دولت ها آزادی و استقلال است ، ملت دولت
که از نعمت استقلال و آزادی محروم ، و بقید رقیت کرتار
باشد ، ابواب سعادت بروی روزگار شان مسدود است

برادرها !

ما و شهادت افغان . خدای متعال را شکر کنند باشیم
که از الطاف بیان خویش مارا بوجود همچیک پادشاه پادیر

او لوالعزم معارف بروزی سر فرازی بخشدید که از صرف همت
و ظایف و تکلیف را که عهد دار بوده اینجا نموده بود ، در اول
پیسان ۱۳۲۹ باافق آراء قرار تجدید انتخاب دادند ، نتیجه
عمل ما در دوره جدید پشرط استقرار مسلسل تامین تکمیلان
اقتصادی و اعام و اگال هر نوع تشکیلات خواهد بود ، که بوسیله
آن ملک و ملت را برگاهیت نائل نمایم ،
در دوره جدید باجلب اکثریت مجلس در اطراف نتیجه
سابق الذکر يك حزب و فرقه ملی تشکیل خواهد داشت که مملکت
را در داره حکومت ملیه مظہر تشکیلات سیاسی نماید جمین
مدافعه حقوق (روم ایلی) و (اطولی) که در مجلس اسراره
دارای تشکیلات هستند یعنی حزب و فرقه ملی استقال خواهد داشت
برو کرام مفصله و منظم این حزب که مبنی حکومت ملی
و اکشافات سیاسی معنوی و مادی و تجدید میباشد تحت نظر
مناقشه و تصویب عموم اعضاء فرقه کذاشته خواهد شد ، در
تعقیب این نظریه جمعیت ما باصول آئیه در شرک در انتخابات
جدیده قرار قطعی داده اند ، اصل های آئیه الذکر بادقت
کامله در احتیاجات مستحبه مملکت و نتیجه نظریه علمی از
متخصصین و بالخصوص مساجی کنکره اقتصادی که از معمونین
و نمایند کان تمام مملکت در (از میر) هنعقد میشود تحت نظر
کرته شده و تنظیم و نتیجه کردیده است ،

(اصل اول)

حاکمیت بدون شرط و قیضه متعلق بیلت است که دوران
قدرات اصول اماری بالفعل و بالذات بدين اساس مستند است
نمایندگی منحصر بفرد حقیقی ملت مجلس ملی بزرگ ترک است در
خارج مجلس ملی بزرگ ترک هیچ فرد و هیچ مقامی غایب و اند در
قدرات ملیه حکومت و قضایت نمایند ، بناءً علیه در تنظیم
 تمام قوانین و هرگونه تشکیلات و هر قسم منفرمات عمومی اداری
و خصوصیات ترتیب عمومی و اقتصادی مطابق اساسات حاکمیت
ملیه حرکت خواهد شد .

و ظیفه و مسئولیت قانونی و کلای اجرای قوانین شوری که
متکفل حسن استعمال محترمات و شخصیت معنوی در امورات
عملی ولایات است و تشکیلات قانونی تحقیقات عمومی و تطبیق
اعتبارات اقتصادی و اجتماعات در حدود قانون با سرعت تطبیق
و نتیجه دار خواهد شد .

(اصل دوم)

قرار یک مجلس ملی بزرگ ترک در اول تیرین نانی ۱۳۲۸

بن مجلس که باساعی متمایز به سه ساله محدود قسم میم از
وظایف و تکلیف را که عهد دار بوده اینجا نموده بود ، در اول
عمل ما در دوره جدید پشرط استقرار مسلسل تامین تکمیلان
اقتصادی و اعام و اگال هر نوع تشکیلات خواهد بود ، که بوسیله
حریت و استقلال برادر رفته خود را بدست آورده بجهله دول
علم محسوب کر دید !

برادرها !

بس ما و شهارا لازم و ضرور است که این جشن مقدس
را از صمیم دل احترام نموده در محافظه واستقرار آن خدا نمودن
مال و جان خود داری نماییم و از در کاه خالق لیل و نهار
محبت مندی ذات ستد و صفات اعلیحضرت باشام متبع معظم
خود را که حقیقت احیاء کننده ملت و دولت افغان می باشند
در خواست نمایم تا همیشه بظل عاظفت شاهانه شان خرم و خندان
و به نایل شدن همچه جشن ها و مراسم ها شاد کام باشیم ا
زینه باد باشام استقلال بسته معارف بروزما اعلیحضرت
امیر امان الله خان ا

پایشده هاد حریت و استقلال دولت و ملت افغان !!

مجلس موصوف از ساعت (۱۰) الی ساعت (۱۲) دوام
و زیده بعد از صرف جای و شیرینی و طعام اختتام یافت .

(جود وطنی دارین و انسان) شهر (پار کنند) و باقی کار
بردازان دولت فخیمه جین و سویدنی های مقیمین پار کنند به
موجب دعوت نامهای جنرال قوائی افغاني از ساعت سه ظهر
الی ساعت (۹) شب به مجلس منبور حضور هم رسانیده و
بصرف جای و شیرینی و طعام و نظاره چراغان و غاشای جنک
جهل مشغول بوده اظهار خرمی میکردند [جنک جله بلک غاشای
بسیار معتبر مدد جنایتی است که تقلید نموده قریباً به تیارهای
اروپا مشاهد میدهند]

مراسم جشن موصوف بیک سرمه و اصول بسیار مشکوه
اجراه کردیده الی ساعت (۱۲ شب دوام و بعد از ان مخیرین
انجام و اختتام یافت .

بيان نامه غازی مصطفی کمال باشا

(راجح بالانتخابات جدید مجلس کبیر ترکیه)
مجلس مل کبیر ترک باصلاحیت مطلقه که از ملت کرته
اجنبای مینماید برای استخلاص ملت و عملک ، از فلاکت العمل
و اسلامی و مستند اساس حکومت ملیه یک مجلس حکومتی
و دولتی مل تشکیل نمود ،



پسر اعلیحضرت ، چند نفر طلبای افغان در پرس ، جرنیل شان ، لانکلوا ، موسیو کتنو و دو کپطانهای مکتب

اولیه آن در مملکت مان موجود است اجرای حایث و تشویقات
لارمه شده و ماصورت اعطاء مکافات هدایت بزرگ بعمله
خواهد آمد .

(۷) برای ندارک راههای آهن که ممکنلاً با آنها احتیاج
داریم بهایت فوریت تشبیثات و عمایات تروع خواهد کرد .

(۸) : - وحدت ویکی کردن بروکرام تحصیلات ابتدیه
و موافق اساسی عموم مکاتب مان بالاحتیاجات حاضر
ورفاقت و آسود کی واقع دار معلمین و بدرستی تامین و نیز
باسائل مقتضیه تعلم و توزیر افکار اهالی وصل خواهد کرد .

(۹) : - مؤسسات راجعه بصیرت عمومی و معاونت

بدهان و ذر کران و ارباب صنایع و تجارت و کایه ارباب مساعی
سازه اصلاح و تکمیل خواهد کرد .

(۱۰) : - سرمایه بالک زراعت و وسائل که تو اند بمقامان
و بذر کران بطور و سمت و سهولت کمک و مساعدت نماید

آنین خواهد کرد .

(۱۱) : - برای زراعت کاران ملک آلات و جرخهای
زارعی با مقیاسهای بزرگواردو وسائل ایشک بذر کران و زراعت
کاران از آلات و ادوات زراعی منبوره توانند به سهولت

و آسانی استفاده نمایند تامین خواهد شد .

(۱۲) : - برای تهیه و ایجاد معمولات و مصنوعاتیک مواد



آقای علی محمدخان رئیس عمومی ندربیسات وزارت معارف
اجتماعی اصلاح و تکمیر و صاحبان شغل و عمل در نجت قوانین
لازم حایث و رعایت خواهد کردید .

(۱۰) — رای استفاده برونق ترقیات-نی از محراها
و کوههای مملکت و کاراند اختن معادن بطرزهای ناهمو-تکمیر
در اصلاح حیوانات و احشام تأسیسات مطمئنه وضع خواهد شد .

(اصل ششم)
مدت فعلی خدمت عسکریه سبقی و تقلیل و علاوه بران
برای اشخاصیک خواندن و نوشتن بداند ، یاد رخدمت عسکریه
خواندن و نوشتن یاد کنند ، مدت خدمت یک درجه پیشتر تقلیل
خواهد کردید و همچنین تامین آسودگی و رفاهیت منسویین
اردوها بالاختصاص مستلزم وقت و مصافت خواهد بود .

(اصل هفتم)
رعایت و تامین حال جیانی و استقبالی فشوون احتیاطی
بلوریک هم به خود شان وهم بملکت منفعت دار بوده باشد
از مقاصد عبده مان بوده و نیز برای اینکه منسویین لشکری که
در راه مملکت و استقلال ملت مقول کردیده و همچنین عموم

(اصل هشتم)
افراد ملت از متقاعدین وارامل وایتم دوچار بدینه نکردند
ندایر لازمه اتحاد خواهد شد .

(اصل هشتم)

عین اینکه در امور مهمه اهلی سرعت و اقتدار و فعالیت
ملحوظ شود و مامورین مستقیم تابع انتظامات و باصول قوانین
و جریان ماموریت غایبند ، صفت و طبیعت مامورین ازین نظر
نظر اکمال کردیده و کلیه شبعت دولت در نجت فتیش و مصافت
دانی بوده و از طرف دیگر هم نصب و عزل و ترقیه و رفاهیت
مسئولیت و تلطیف قاعده مامورین ثبت کردیده و از اهالی
منور الفکر و ارباب ممالک مختلفه آنانی کا اختصاص دارند
در شبعت اموردول یک صورت نافی استفاده خواهد کردید

(اصل هشتم)

علاوه برندایر مقتضیه کادر ضدن احیاء و تعمیر خرابهای
ملکت مان اخاذ بشود رای انشا آت و تعمیرات جدیده و آنانی
که در هر محلی تشکیل شرکت ها بدینه نشویق و تامین شده
و شبعت افرادی در این موضوع هم مورد نشویق و حمایت و
نگاهبانی کردیده و احکام لازمه درین باب وضع خواهد کردید
 نقطه نظرمان راجع بصلاح — بالعاده صلاح و مسلط بامانت
جدیت کوشش خواهیم داشت ، بشرط اینکه صلاح منبور استقلال
مالی و اقتصادی و اداری مارا بهم حال اطمینان داده و تامین
نماید — و صالحی که موافق باین شرائط نبوده و مارا مطمئن
وامین نلاید مورد قبول نخواهد کردید .

(کلستان شیراز)



جناب ادیب محترم سردییر جربده فریده امان افغان
السلام علیکم ادرین روزها یک پرچه اخبار (وقت) که زبان
ترک در استانبول شایع میشود بدست رسید که نجت عنوان
(مکتب از کابل) شرسی از صفات و منابعی طالی اخلاقیه
بادشاه غازی غیور مان امیر امان الله خان را که هر افغان به آن
افتخار میکند درج نموده بود ، محترم حقیقتاً شخص مدقق

(جنبه ۷)
یکدل ضاف سلطانی در پرش است ، در خطبه خود همینه
جماعت را به اتحاد توصیه میکند . (اولاً) امام محمد شویه
که هوطنان از مطالمه آن اسبب ندالتن زبان محروم بماند
باشان توجه آنرا بخدمت محترم فرستادم که لطفاً آنرا درج
محافف اخبار نموده . ملت را از مطالعه انگنهون و متفخرسازند
(هایون) کشوری کان هر صه را شاهی چنین باشد)

در خانه احترام تقدیم است . ۷۸ اسد سنه ۱۳۰۴

(محمد کل غندمشیر)

مکتب از کابل

در حالم اسلام یک حکمدار جوانیک
ملت و همکلت خودرا دوست دارد
حضرت امیر امان الله خان پسر سومین پدر شهید خود
امیر حبیب الله خان است . مالک یک فطرت فوق العاده بوده ماند
جد خود امیر عبد الرحمن خان ، صاحب شدت عزم و اراده
است . هنوز بین ۲۸ سالگی است . بیانه قد ، صحیح البفه ،
گندم گون است ، جسمهای سیاه جو له دارد ، رونهایش
کوته است ، آتشین و عصی مناج ، و متواضع ، فوق العاده ذکر
مریع الانتقال ، ظریف و نیکته دان است . مخاطب خودرا
ضرر را نجت نماین میکنارد .

بوجود بیکه عصمه ، هم امرای سابقهور جال حاضره حکومت زبان
مل اندانی را یغیده است . امیر تکلم زبان خود را آرچیج میدهد (بلکه آن
تکلم میکند) کسالی را کازبان مل را اهالی ورزند خطا کاری میکند
رمان ترک را مکمل میدارد ، اشعار وطنی فارسی میکنید .
درسته قرآن فراسوی می آموزد .

پدر و برادر خودرا در سن کفشه برازی خصیل بهاریس
فرستاده است . موتو و بوتر باشکل بسیار خوب بیاند و استعمال
غذکجه را خوب میدانند ، مانند سواران قدیم اسب بد
کرده ساعتها رفتاب رفیار نعل قطع مسافه میکنند . برمنبر و
گرمی جان بوقتی خطا . میخواهند که جماعت و جمود را کریه
میدهند . نیش بازی میکنند . مارش تربیت میدهد ، بیانو
مینوارد و قولیه میکنند .
لذات امانت میدند ، بعضی وقت باعلمای ملحق میشود :

بیرون مکان غیر از من باشد اینکه حق خودرا از ملاها ربوه باشد

خواهد بود ؟

بمنه دستار مل و ایشان را باشیم بالا میشود . و میکند
(امیر) باشد لذات خطبه بخواهند که خطبه را فرمان و قوت
و قطبیت میدهد)

در صورتیکه بمنه بخوردات عاشق است در سینه اش

فوق العاده محفوظين وپاران را می پندسته را فهمیده محجوب
میگردند و در هاروز سهمان امیر میشوند . برای اینکه افغانانی
را که در کوه ها آزادانه جوانانه هودن را باسارت یا کن نوع
خاک (که عبارت از فرود آمدن به وادی و آشت و در وباشد)
زیجیج میگذرند و به زراعت تشویق دهد در بهار و قنیکه برفها
آب میشود لباس دهقانی پوشیده در مواجهه هزارها غرد هفان
قوله میگردند و از خداوند فیض و بر کن خواسته دهایمکند .

ابن رسم ابداع کرده امیر دورینی و فکر ابداع کاری او
را ایات میگند . مشارابه حکمداری را که فیره من و قابع
کتف واردۀ هر ناجدار بوده بحال بک صفت رسانیده است .
امیر از کله گرفته الى بوت خود را از معمولات محل

(وطی) میسازد . معمولات داخلی را به تصریح حایه میگند
اگردر وزرا و تجیه خود باکمی از ترکان لباس اور وهاشی
به ینند فی الفور میورد و میدارد و همچنان جیب خود

فیچه داشته میباشد . در کابل حقیقی به سفرای دول اجنی که
کوکردوطن استعمال غایب نیز ناز کاه جور میگند . تو کارا

سر اسلام میشمارد و حقیقتاً دوست دارد . بشجاعت و حواس

فطره مان مفتون است قهقهه . در ین خاندان شان نی بلک در
کابل هم چنان افغانیکه مائند شان ترک بداند موجود نیست .

با وجودیکه رنگ ملی افغانان سیاه و سفید است ، امیر رنگ
سرخ را خیل مغلوب دارد . صبغه پیمان شان سفید و سرخ

رنگ شده است مشابه پادکار دهم تیوز ماست [۱] برق ذات
شاهنه که بالای قصر قوچ دارد نیز سرخ است .

برغم طبیعت جدی و صدنه خود مناج لطیف دارد .
یاد دارد که در پیمان در جشن استقلال بطرف یک تصویر

خورد که به جسمات طبیعیه رنگ روغنی رنگ داده شده بود
خدمتی رای آن ایقای لایعی نمود .

روز دیگر به جمیت عس میگرفت در حالیکه کس بخود
برآخت داشته و ضمیم خود را اصلاح و درست میگرد مخدحان

طرزی ذات شادانه را ایجاد کرد که روتهای خود را درست
کنند اعلیحضرت این جواب را فرمودد :

« بی این چیزیست که الشاهه در وقت جنک خواهد شد و
روزی در مناقشه کله نظامی به نوک قبیل زمین خط شدیده
یک خط غلط آرا پیمانه کشت خود تصحیح عوده اند و پاک

کردن خاک از گشت خود را فوری لازم نمیگند .

شار الیه قلندر نیوده حکمدار فیلسوفیست همچنان
خود عاریاراد و آرا مائند شرف با خود میگردارد . امیر خیال
دار در یک ساحة که قرقیز میگلومتره بطرف غرب جنوبی

[۱] یا کار دهم تیوز دارد کار اعلان مشر و طیعه عنا نیست .

واما اینکه جطور میشود از اول که با نوشان بیسان
می آید ، جوب نوشته می شود و باقی الفاظیکه برای این معنی
در ردیف آن هستند . نوشته نیشوند این ازان جهت است
که خط نوشتن از اول در میان قوس که جوب میگفته اند ،
پیدا شده و آنها دارای تسبب را ندارند قابل خوده اند و به
عبارت آخری ادبیات داشته اند که سائر اقوام محض استفاده
نوشتجات آنها میگویند و لکطم میگرفته اند .

لحظ جوب درینجا از باب مثال آورده ایم : در لغات محل
که هوز در برخی از بلاد ایزان متداول است . بسیار الفاظ و
زیبایی بافت میشود ، که عیب آنها فقط این است که لفظ قسم
بسند و در شعر و اثر نویسندگان نیامده اند و حتی اکر
کسی بخواهد بنویسد رسم الخط آنها معلوم نیست یعنی رسم
المظ ندارد چونکه نوشته شده اند .

لذانی که در محل مخصوصه با آنها تلفظ میشود ، بسیارند
واز آن جهه که بالفیبه قلم ، یعنی فارسی معمول ادبی دور زر
از ای آها ، و شبیه بلطف بیکار است ، زمان مازندرانی ، زبان
سنانی ، زبان کبوی است ، و نیز در فوایی اصفهان مثیل سه
ده و ننک زبان سخن کفته میشود ، که زبان کبوی نزدیک
است . و شاید عین آنست که پس از مهاجرت کهان از آن
فوایی در میان مسلمانان باقی مانده و به مردم زمان افغانی
بز در آن راه یافته ، که پاک مقداری آن را از اصل خود
دور گردید ، و من بنده نویسنده این سطه در مدرسه صدر
اصفهان با چند نظر طلاب کشکی همایه بودم و بزمان آنها که
ین دو دشان محبت میگردند ماؤس شده و بسیاری الفاظ فرا
کرده بودم چون به بزد رفم و مدرسه کهان را دیدن گردم
و سخن کفته آنها شفیده مازندرانی شنکی بسیار تزدیک یافتم اینکه
برای یونه چند سطه از زبان کبوی قل و معنی هرجه را بعد
از خود در برانتر (قوین) می تداریم تا درجه مشابه با
مقابلان بازمان از بی معلوم گردد .

ی روزی یک کوپ و خدیک پایه نیش یک اربابی کوش
کا بلک روزی یک خری یاک شرقی ییش یک اربابی کار
بلکند) و سکی کوش ترمه ب ایلاک کپیت (بسک کار گرده
بود لاغر افتداد بودند) او اربابی هر دش و پیاون سرد
(آن ارباب هر دو را به سماون سر داد) یعنی جویس آن چرا که
نر دی کوت جنی و حقی او و سوزی سخ و خل امنه
(آن هارفتند و چرا کاهی بدآ کردند و ناجند و حقی آب و
سوزی خوردند و حال آمدند

کابل است یکشنبه جدیدی که دارای همه شرائط بمحی و مدنی
باشد همان (بدنه اماینه) بسازد و برای این نخستین بار بول
کافغه اخراج نماید . اهلی محضرت در همه مذاکرات بوده اند
آنسته بالذات ریاست مینماید . به تنظیم و توزین آن بصورت
عصری نخستین بار موفق کردیده است .

افغانان که مدت مديدة حیات عنوان و اعتصاف بسر برده اند
الشاهه به دلالت میشانه امیر جوان خود موقع خود را

در ین جمعیت دولیه عنقریب اداره کخواهند کرد .
برادران افغان مابهی داشتن اینجین یک حکمدار بجد
ترقی بور صاحب شخصیت طالیه حقیقتاً مسعود و بخیارند .

۱. ص

﴿ زبانهای محلی فارسی ﴾

(از بحثه دستان)

پس از سلط عاکر اسلام بر کشور ایران ، از جله
چجزهایشکه ایرانیان از عرب ها اخذ کردند ، خط کوفی بود
که دران اوقات در میان هر دو معمول و مکاتبات و احکام
و هرچه نوشته بود ، با آن خط نوشته میشد ، صردم ایران آن
خط را در اول امر از روسی ضرورت و احتیاج از عرب فرا
گرفتند ، ولیکن پس از آن آنچه میتوانسته باشد از خط اس کرفته بودند
از خط میعنی قدیمی خود شان بجز این خط نوشته میشد ، صردم ایران
زبان خود را نکفته بودند خط میعنی را نزک کفته شروع
کردند بتوشن با خط هریکی ، و طولی نشکنید که خط میعنی
بطه ری مهgor شده . که فارسی : مايان هم نیتوانستند که دارای
علمون که درین وله بسیاری از لهجهای ایران که دارای
کتبی بودند و شعر و ادب و آن قابل ماندن نداشتند ، غلوب
شده در محل خود مخصوص ترکیدند ، به تحویل که با آن لغه ها
تکلم میشد و ایک در مقام نویسنده بطریز دیگر یعنی با لفظ نه
نوشته میشد ، و شاید بعضی از لغت ها ملره از ینه افت ،
یاده دودی پر و تا کنون از ویش مانده است . ۵. ۵. ۵. ۵.
زوایی ایران باق است برای توضیح این مطلب فرض می شیم
که جهی میگردند جوب و جهی دیگر جوچ ، و دیگری یاده
جو ، بفتح ج) و دیگری جو ، بضم ج) تا وقتیکه ملی در
میان نیست ، همه اینها صحیح است و میشود هیچ کدام را ز
دیگران ترجیح داد ، جه مقصود از الفاظ دلالت و همیفی است
رمه اینها معنی را بخوبی می فهماند . لکن هر کاه خط های
و چوب نوشته شد آنوق افظ جوب صحیح ، و لفظ قلم است
وساز لفظات ، ناصحیح ، تحریف چوب شروعه میشود .

که با یادگار حواری خود فرموده بودند: «تلوار جود را در
نیام کن» اصرور قوی ترین حرکات حرکات اروپا (سیاست)
است و همین قوت و مسلک تمام قوای اخلاقی را محیط کردید
ومغلوب و مضمحل ساخته. اکثر ما بخواهیم که زده کی نیم
می باید که سیاست را تحت فرمان معاهارت و معاشرت را زیر
او امن اخلاق پیاریم. انسان
آیا این آوازهای خیر هوایانه، هنکن است نایابهای
وزارتهای اروپا رسید؟ آیا هنکن است اروپا را توفيق عمل
نہودن با آن میسر شود؟ فیلم ۱۱ بیکی ازین دو هنکن نیست.
مانند اروپائیها در تماشاگاه فیلم صدها وزارهای قومها، زمان
بزمیان، توبیت شویت آمدند و رفتند و مصلحین وقت آهارا
موعظت ویاد آوری خودند که [فَاقْوَ اللَّهُ وَاطِيْعُونَ وَمَا اسْلَمْ
عليه من اجران اجری الا على رب لم يَنْ، وَابْنُونَ سَلَّمَ
آية ائمهم و تخدیون مصالح اهلکم تخفیون واذ بطشم بطعم
چیزیں فاقْوَ اللَّهُ وَاطِيْعُونَ وَالْقَوْلُ الَّذِي اعْدَكُمْ عَالَمَاحُونَ اَدَمَ
بالمام و بیش و جنت و عیون ائمهم اخاف: «لیکم عذاب يوم عظیم»
(شعر) یعنی پرسیده از خدای تعالی و اطاعت کنید آنکه مرا
ویان دعوت خویش از شما عرض نمیخواهم (چرا، این
دعوت برای فهم شخصی من نیست) مکافات واجر من بروز روز
علم است. آیا هر موضع بلند لشانهای عبث شناختی
و عمرنهای بلند می سازید بخیال ایشک ناید زندگی می ماید
وقتیک (به آدم قوم حله می برد و آنها را) می کنید بمحض
می کنید همچو کرفتن چیزیان و مفتر وران. از خدا بقویه
مه خود غرض نیز، مادر، متمدن، محنت آش، جلاک،
مستقیم و فساد، رایه منافع شخصی و غنم نفسی بیقرار
دلداده عنت شخصی خویش و انتقام دوست می باشند.
خره فراسوی بخواب میکنید ۸ حقیقتاً مرض اصل مان
میخیست که مذهب مارا به راهی سوق می تغایر و تهدن مان
مارا بجهان دیگر می برد ازین جهت اروپا میزد و یوم مصالحهای
دروغی منافق کارانه کردیده. هر کش، اروپا خواهش دارد
که تن تها از همه همسایه ها جدا بدرج تعالی و برتری از قیا
نماید، بلکه از ترقی دیگران ملوکی کند و خود را سدراء
آن ناید. بدیجی است که از این روش وسیاست در اروپا
باق است بحران و فداء مه کی بقیه و حتی است. عیسا (علیه
السلام) فرموده بود (قسمت خدا را به خدا بدهید و آنچه
از قیصر است به قیصر بگذارید) مه ما بخواهیم که این هردو
زربو، را بک دست برای خود مار نگه ماریم. اروپا یکدیگر
خود را به نام عیسی قتل نمیکنند، میخون او را میخورند

میخونند. عیسی این کوهه اوضاع و امور مجهوشنگها است در راه
سلطنت آسمان (یعنی تعلق بدنیا). لع رسمیدن به عقبا است)
بس ای مدعیان عیسایت ا مقاصد و اغراضی آن شما شب و
روز، «تفقیب آن خاطر بریشان و سر کردن می باشد بعثت
عیسی (علیه السلام) بعض تخریب میخواهیم که زده کی نیم
تصور کرد که تمدن اروپا و فرمایشات عیسی (ع) را چکونه
هم یکجا کرد آنچرا، مفهوم صریح و منطق صحیح این دو گله
 فقط میخیست که اکر شما مات و دارای بکی ارائه باشد
 دوستی را صاحب نمیشود. -

هم خدا خواهی و هم دیسای دون
این خیال اسر و بخان آرت و جنون

این مقصده که اصرور شما زیر لطر کرفته اید آشی است
که روری خرمن هیچ شما را سوخته خا کست آن باد فنا
خواهد رفت. من که بهر طرف دنبایش و کم سر و تیاحت
کرده ام، و پیروان اسلام و کردیده کان (بد) نیز ملاقاتها
خوده ام هر جا دیده ام که در تهدن و معاهارت و اخلاق صردم این
آثار تعلمات و فرمایشات مقتدا یان شان هاق است، الا بلاد
عیسائی را که ازین صفت بیک قلم ن هر یافتم.

مد میک پیران خود را به محبت و معاونت یکدیگر توصیه
و تمام می خاید و میکنید اکر کشی بیک رحباران لطمه زد،
رسخسار دیگر خود را برای لطمه دیگر او حاضر کنید، مذهبیک
دعوب می کند صردم را بیناعت و رزک دنیا و داشتن غم اسرور
و آن دیشه فردا پیروان میخیست اصرور از همه مضطرب، از
مه خود غرض نیز، مادر، متمدن، محنت آش، جلاک،
مستقیم و فساد، رایه منافع شخصی و غنم نفسی بیقرار
دلداده عنت شخصی خویش و انتقام دوست می باشند.
خره فراسوی بخواب میکنید ۸ حقیقتاً مرض اصل مان

ملک، دریک ملک (سوئیزلیند) نام این مقصد ابدا حاصل
نیتوان شد. بلکه حصولش منوط باین است که هر قوم رای
خدمت دیبا عواطف همدردی و قوت و نوا نایی خود را
تقدیم نماید. (ترجمه از مجله معارف)

تحویل اخلاقی

- (سیلا به)

اموال اکرسال بارندگی و سیلا بگفته شود جاداره مدتی
است که از هر قطه دیبا خبرهای متواتر بارندگی و آب خزی
و خراب عمرانات وزراءات و تباہی نفوس و حیوانات میرسد.



طلبه و باق اشخاص بوقت تاسیس مکتب مطلع (دانش) بالا مانع

اینست شد بوجب حکم حکم مکده بک نفرشان بخیس ده سال و
دونفر شان بخیس (۱۵) سال عکوم گردیدند. بروز سارقین
مذکور را در تمام شهر شهیر نشیب نمودند.

تا این وقت در افغانستان ازین بلای مدهش ازی نبود. یانزده
روز میشود که اینجا هم این حوادث قضاییه بروز نمود و برجا
بارانهای شدید متواتی باریدن کرفته ادتر خرمها را که روی
مزارع مانده بود خراب ساخت. میوهها و مردختی و خربوزه
وزبور زرا از کار کشید خانهای که در دامنه کومها و تپه ها بود

خصوصاً صردم کوچی اکثریه را سیلا با خود برد و نفوس
بسیار هلاک و قربه ها خراب کردید - ظالب جویها طوری از
ستک وریک برگشته که تصفیه آن از حفر بک هر جدید دیگر
مشکل نیست. از هر علاقه ولایت کابل همین قسم خبرهای
خرابی و تباہی خرمها و باعثها و قربه ها و هلاک السانهای و
живانها رسیده و میرسد. از خداوند خانه این آفت سماوی
را بخیزیر مسئلت و نیاز می نامیم.

- (نشیب دزد ها)

دونفر میده روی چهار بان دیده شد که سوی قوماندایی
می بودند، چون نتیجه بودیم از این بر قریب ترک حیات چو و بودند
دا کترهای جرمی
دا کترهای جرمی اصرور که ۲۹ اسد امت وارد کل
شدند.

محمد حسن محمد عظیم و شیرینیل نامان ساکنین غربین برای
اعمال جنایتکارانه دزدی مستکبر شده دزدی شان بمحکمه

اخبار جشن

روز مبارک جمعه (۱۱) اسد از ساعت (۸) الی ساعت (۱۲) منصوبات و منسوجات و مؤلفات و دیگر محصولات صناعی وطنی عرض نمایش آمد و بقرار بروغرام کسانیکه در عمل و فن خود فاقه برآمدند تمام وجازه مقرره را کرفتند.

نمایش حیوانات

دراول عصر شنبه ۱۲ اسد نمایش حیوانات در محل عرض من آن بعمل آمد . اینها خوب امسال ترقی کرده نسبت به سال گذشته، پیشتر بود جنابه اسپیکسال گذشته درجه اول بود امسال هیچ درجه نمکرفت . بسیار کاوهها و مركبها و بزهای خوب عرض نمایش آمده درجه شد و قرار درجه اول مالکان آنها انعام مقرر را نائل گشتند و کسانیکه موادی شان درجه اول برآمد به علوم انعام نظری بکشان امتیازی هم باها داده شد .

آخر عصر . آن ملی از طرف یکمده سپاهیان نظامی بالاس های کلنار و قفسکهای برجه زده در میدان آن به باع عمومی اجرا کردید محبان وطن را خیلی مسرور ساخت ازان بعد در باع عمومی بهر چن دسته از خواند کان حاضر شده برای نمایش عموم به ساز و سرود مشغول شدند .

فهرست

کسانیکه به نمایش، صناعات و منسوجات خود شان در جان انعام را اجراء کرده اند بقرار ذیل است

سید داؤد خان خوش تویس	در خط
زبیده یکم طالبه مکتب مستورات	در رافت پشمی
بهره وره	درجه دوم
فقیر محمد وطنی فروش	درجه سوم
غلام حسین الدین پشماني	در رافت غنی
آقا بابا	در رافت اربیشی
محمد اسمبل	درجه دوم
فقیر محمد وطنی فروش	درجه سوم
محمد یونس خان	در رافت کرشیل
سلطان محمد خان	درجه دوم
محمد شریف محبوس	درجه سوم
یکنفرهان	در قاین باق
زبیده طالبه مکتب مستورات	در کل دوزی
حیده	درجه دوم

بوق عصر یک مسابقه باری نینس در میدان مخصوص آن که در باع عمومی بقمان ساخته شده اجرا کردید : مسابقه بین آقای علی محمدخان رئیس عمومی ندیسات وزارت معارف و آقای عبدالجبارخان معاون دارالترجمه وزارت خارجی بود طرفین در کمال درستی ابراز مجهودات و لیاقت نموده اخیراً آقای علی محمد خان فاقه برآمده بازی را بردا و انعام مقرر را که یک قاب ساعت دستی و بک ظرف فضی عمده چنی . یک (یت) اعلای نینس بود نائل گردیدند .

(سردار کلان جزیره جاوه)

این یک تیار اخلاق است درسه پرده که شانع و خیمه عیش و عشرت امرا و زمامداران شهوت پرست را نشان میدهد که بر از اتباع هوا و هوس نفسان ملک و سلطنت از دست او رفته خودش هم بذلت و فلا کت کرفتار کشته چون (سخت است پس از جاه نیکم بردن) اخیراً خود کشی میکند . این تیاز نه در لباس ادب و فکاهی خیل عربت انگیز است و از ارات مفیدی دارد، شب شنبه (۱۲) اسد در حننه تغیل بقمان از طرف اعضای مدربیت حننه تغیل وزارت معارف در کمال خوبی و خوش اسلوبی اجرا کردید انشاء الله بیانات این تیاز در شبیه های آنیه قصباً درج خواهد شد .

درجة سوم
رضاخان
بنز عبد الحبیب
کسانیکه بدرجات ایشان اولیت نموده اند بر علاوه وجه
نقدي بلکه این اشان نیز باشان اعطای کردید به کسان درجه دوم
و سوم ته اوجه نقده برداخته شد و این اعماقات را ذات های اینی
بدست خود با کمال مهربانی با حرارت کشیده کاش مرحت و احسان
میفرمودند .

حواله خارجی

(اواعی پریشان المان و اغیان کاینه آن)
از اطلاعات نازه لاسنیکی معلوم میشود که حالت اقتصادی المان خیلی پریشان ، و اینها خود رفیق فوق العاده گران و اهالی سراسیم و سر برگان و کرسنه کی و تنشی ها آنها دست و کربان است جنابه قیمت یک پوند طلائی به (۲۶۰۰۰۰۰) مارک رسیده است . حکومت برای جلوگیری از تزلیم مارک فروش آن را در خارجه منع نموده مندورها به رجا اعتصاب می کنند و احتجاجه بسیار میخواهند بالشویکها المان برخلاف حکومت به انتشارات پر پر با کند کوشش دارند و در صدد اقلاب میباشد . رئیس جمهور اعلان نموده که انتشار رسائل و اشماره برضم حکومت منوع است ، و هر کسی باز تکاب آن اقدام نماید (۳) ماه جبس و (۵۰) میلیار مارک جرم میشود . و بنز نام اهالی (روهم و ران) اعلام نموده که در مقابل دشمن به صبر و استقامت مقاومت نمایند کار کرها و ادب حرفة و صنائع علاقه اشغال شده از روز اول با فرسایی ها - ملوک لامعاون را یک طرز باهمیت پیش کرته اند و فرانسوی ها را تایکدزه باش مقاومت منع پریشان ساخته اند لا کن حالیه فرانسوی ها فروش ماکولات و مشروبات را بر کار کرها منع ساخته .

منتفقین به عسا کر خود حکم داده اند که معادن زغال علاقه اشغال کرده را بتصرف خود بگیرند و هر کسی با آنها مزاحم شود پنج سال جبس ، واکر صرتکب خرابی راه آهین و قطار آهن کرده پیست سال جبس ، واکر تدامی از تبعه منتفقین را قتل کند کشته میشود .

چندی راه های آهن زیر زمین امداد شده بود ، حالیه کار کر های آن اقدام به کار کرده اند اما حکم (تراموی) تایسونت بواسطه اعتصاب کار کران بر ق بقوعی است . در تمام کشور جرمی از جهت نزول فوق العاده مارک

بنز رایمه اول	درجه سوم
میرعبدالحیب کاتب و زارت تجارت	درجکن دوزی
در مصوری	درجه اول
غلام حیدر غاش	درجه اول
مجسمه سازی	درجه دوم
عبدالفغور	درجه اول
بنز رایمه اول طالبه مکتب مستورات	درجاتی درجه اول
کبرا یکم	درجه دوم
زبیده یکم	درجه سوم
در خراطی	درجه سوم
در آنکری	در آنکری
رمضان	درجه سوم
عبدالسلام آنکر	درجه سوم
غلام عی الدین	درجه دوم
استاد چفل	درجه دوم
استاد نور الدین	درجه سوم
میراحمد سنگ راش	درجه سوم
در ساخت کل مجموعی	درجه اول
غلام جیلانی محبوس	درجه اول
شیرجان بازار دوزی	درجه اول
برات علی	درجه دوم
غلام نی	درجه سوم
مستری عبدالرحیم	در شمع سازی
عبدالکریم و عطاءحدکانی ساز در کاته سازی	درجه اول
ملعنه خیاطی مکتب مستورات	در دوخت
بنز رایمه اول	درجه دوم
زبیده یکم	درجه سوم
حاجی باز محمد	در جرم کری
شربت علی علاقه بند	در علاوه سندی
جلال الدین علاقه بند	درجه دوم
بار محمد طالب العلم مکتب حبیبیه	درجاتی کشی
سلطان محمد و حیش	درجه اول
محمد اکرم	درجه دوم
حیوانات اعلا و عمد	درجه سوم
اسپ	جناب علی احمد خان
	فرقه مشر سوادی
	کهیر دوپاپند
کاو	فخر الدین
	میرزا محمد
	فقیر محمد
مرکب	سلطان محمد
	ابراهیم

بوز شد و ازین حال چیزی بمن همایم که بدم دیدم برخلاف وضع معمول و عادت معمود لغایتی من را خوش بخی توانم یقینم آیا این نکاه خیره او از روی عشق و محبت و یا از راه رحم و شفقت است اکنون من خود قلبًا حالت ملایت و دلسوزی از نظرش استنبط میکنم بازی من هم بمان و قت دیده بسوی او دو ختم کویا بجهنه او هم خالی از اشکال نبود که از نکاه من بیمه کنونات خاطر و افکار قلبیه ام برداشته بخوبی بگفت و بدم و نه بخيال غذا خرد بدم — (افق دارد)

(شرايط درج کردن اعلانها)

از اهالی ناخن و خارجه سودا کرانی که مال تجاری و صنعت کرانی که صنعت خود شانرا در (امان افغان) اعلان و انتشار کردن میخواهند و یادی کرده رقم اعلان را تهار یکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود : اعلان یکدرو معن اخبار از دیگبار تا به پنج هار نشر و شایع تود بر سر هر سطر ۱ بک رویه کابلي (که معادل بک قرانک است) و اکران پنج بار پیشتر نشر کردن خواهد فی سطر بک قران یعنی هم رویه کابلی اجرت کرفته میشود اعلان یکه در صفحه آخری درج شود از بک مار تا به پنج باری سطر بک قران یعنی هم رویه کابلی و اکران پنج بار پیشتر نشر کردن خواهد فی سطره شاهی یعنی پنج رویه اجرت کرفته میشود . طول سطر بک سطون اخبارما (۳ - ۳) اینج - ۴ سوت) میباشد .

هر کاه شخصی اعلان خود را میدارد تا بک سال نشر کردن خواهد و وجهه بک ساله را پیشکی ادعا میکند در صفحه آخری پشتی بر سر سطری ساز (سدس (رویه) اجرت کرفته میشود . از اعلانات معارفی و مؤسات نیازه تجارتی تا بک سال بجا ما درج میشود .

کما به معاشر ما را از عملی غیر معلوم که اطلاع واستحضاری ازان بست بذست خواهد آورد امرچ، فکر میکردم باین سخنان صریح و بدین مهایا بعید ننم جه ایم کذارم وجه قسم آهارا معنی کنم و باصل مسئله چکوئه پیش بزم که چنانکه میل خاطر من بود قلم را که اکت سازد — از طرف دیگر از زمان ورود و اقامت در پاریس آنی از (مان) جدا دور نشده بودم و در همه قسم مشغولیات و تفرج و کردش و عیش و عشرت و فریح باوی همراه وا پلهوی من و من نزد او بودم ام و میکنم خدایا خدایا این بک دقیقه که ازو دور ماندم پس از مراجعت بکابه مقره خود (ابن همغم زجه آمد بهار لکام) مابودیم که متصلای مایتی اظهار عشق بک دیگر خود نمایم اکر بک دقیقه از بروز دادن عشق خود غفلت می ورزیدم از اضطراب یم هلاک مان بود پس امکان نداشت تصور نایم که آنی (مان) جرمن نشیند درین حال بک صربه بعقبده خودم مسئله را کشف کردم و بخود گفتم میتو (ب) شخصی است مرچ کارهای بزرگ و مراوده و روابطه بسیاری با مردم دارد بیناً اقوام و عشائر (مان) سفارش وی را بدرو نوشه اند آن هر وقت خواهد ازاو مبانی بستاند و کن تازه بولی از وی کرفته و باز او بلاقات وی آمده مبلغی بجهت او آورده است و اینکه از من پنهان داشته خواسته است بازتی درآورد و اسبابی جیند که مرا بیازماید که بدگان بدخواهم بزد یانه و کن که اکر بقرار معمول وی طبق همه روزه دارد منزل شده بودم و بدینجا بیامده بوجهه وار یعنی لشتم محبوبه من خود مسئله را رای من نقل میکر دو باز هم اکر از خود او تحقیق نایم شک بیست که از من پنهان نخواهد داشت

درین عقبده خود طوری سخت راست شدم که بقین کردم باز در قوه او خواهد بود ویس که آبی برآتش زند و از جنک غم نجات بخشد فوراً معاودت بعنزل بودم و بمحبت و عشق معمول خود (مان) را در آغوش کشیدم و وی بز مرا بکمال خوبی بسیرفت اول خیالم این شد که ابرادی که باوداشتم و بیش از پیش بقین در آن حاصل کرده بودم و با او بیان آورم باز سکوت اختبار کرده لب از کتفدار دو ختم باشد آنکه خود او آغاز سخن نموده از واقعه کذسته مستحضرم خواهد ساخت و مسئله را بن اطلاع خواهد داد درین اثنا شام حاضر کردند در کمال بشاشت و خرمی بر سر بیز غذا قرار کردم ولی بروشنائی جراغ که بیان او و من بود همچو بمنظار رسید که از صورت وجشمها معشوق عنیزم اثار غم و ام پیدا و آشکارا است این خیال بمن